

مقاله پژوهشی

پیدایش مساجد در یزد؛ بازشناسی معماری مساجد سده‌های نخستین منطقه یزد

ذات‌الله نیک‌زاد^{۱*}

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده

سیر تاریخی معماری مسجد در یزد را مانند هر منطقه دیگری باید از سده‌های نخست هجری پی گرفت. از این بازه زمانی آثار معماری اندکی در منطقه یزد به جا مانده است و متون تاریخی هم اشارات روشنی در این باره ندارند، از این رو گفتگو درباره این آثار، از جمله مساجد، گام برداشتن در تاریکی محسوب می‌شود. در متون جغرافیای تاریخی سده سوم و چهارم هجری از چهار مکان دارای منبر در یزد نام برده شده است. شناخته شده‌ترین مساجد سده‌های نخست هجری مسجد جامع فهرج در حوالی شهر یزد است، اما درباره دیگر مساجد از این دست کمتر گفتگو شده یا آگاهی و اسناد چندانی در دسترس نیست. پرسش پژوهش این است که، مساجد نخستین یزد کدامند، چه زمانی بنیاد یافته و از چه الگوی مکانی و معماری برخوردار بوده‌اند؟ روش پژوهش از گونه «تاریخی - تحلیلی» است که با استناد به متون معتبر تاریخ که انگشت‌شمارند، احضار شواهد موجود و تحلیل آن‌ها پیش خواهد رفت. مقصود این است که به پیدایش گونه‌بندی مسجد در منطقه یزد پرداخته و قواعد حاکم بر معماری این بناها بازشناخته شود. نتیجه این پژوهش نشان داد که در شهرها و قرای معتبری که در یزد وجود داشته، بافاصله دست کم دو سده از ورود مسلمانان، مساجد جامع ساخته شد. شواهد مساجد نخستین در کته (یزد)، فهرج، خویدک، میبد، نائین و ابرکوه وجود دارد. این مساجد از گونه شبستانی طاق پوش و مبتنی بر جرز و دیوار باربرند، نه بناهای ستون‌داری که در دیگر مناطق مانند شوش، سیراف و دامغان شناخته می‌شوند. این بناها که ابعاد بزرگی ندارند، ویژگی‌های مشترک فضایی و فناوری ساخت دارند و همگی با ساخت مایه خشت و گل بنا شده‌اند.

تاریخ دریافت:

۱۹ دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

مساجد

الگوی معماری

سده‌های نخست هجری

منطقه یزد

doi : 10.22034/AHDC.2023.19685.1725

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

در منطقه یزد، مساجد تاریخی بسیاری به جا مانده و تقریباً هیچ شهر و روستایی نیست که چنین مساجدی در آن نباشد. این مساجد از نظر زمان ساخت و گونه معماری از تنوع و گونه گونی برخوردارند. جز بناهایی اندک، عمده مساجد به سده های میانه تا سده های متأخر هجری تعلق دارند. شناخته شده ترین آن ها مساجد سده هشتم و نهم هجری هستند که مسجد جامع، مسجد ریگ و مسجد امیرچقماق یزد، مسجد جامع فیروزآباد و بفرویه میبد، مسجد ابرندآباد و بندرآباد و برخی دیگر را می توان نام برد. این مساجد از نوع یک ایوانی و گنبددارند و آرایه های نقاشی، گچ بری، کاشی رنگین و گل بری در آن ها به کار رفته است. مساجد متأخر تاریخی که پرشمارند، در کوی و محله ها با طرح ایوان دار یا شبستانی برپا شده و برخی مساجد همچون ملا اسماعیل یزد، در جایگاه مسجد جامع جدید کاربرد داشتند.

از میان مساجد نخستین یزد، مسجد جامع فهرج از همه شناخته شده تر است و مسجد جامع یزد و میبد را هم می توان نام برد؛ اما درباره همین مساجد مناقشه بر سر تاریخ ساخت و دیگر موارد وجود دارد. می توان گمان برد که در سده های نخستین هجری مساجد بیشتری در منطقه یزد وجود داشته، زیرا این منطقه از دیرباز (سده نخست هجری) به دست اعراب مسلمان افتاده بود و آیین مسلمانی در آن رواج داشت (جعفری، ۱۳۸۹، ۳۲). تاریخ این ولایت در چند سده نخست چندان روشن نیست. تا سده سوم هجری، فرمانروایان از سوی اعراب برگزیده می شدند. هنگام سلطنت ملک شاه سلجوقی، با ورود ابومنصور علاءالدوله فرامرز به یزد در ۵۰۴ ق و تشکیل سلسله آل کاکویه، سرزمین «یزد رونقی دیگر یافت» (کاتب، ۲۵۳۷، ۶۰) و ادامه آبادانی به دست اتابکان و آل مظفر تا سده های میانه هجری پیش گرفته شد.

در این پژوهش باهدف فهم پیدایش مساجد نخستین یزد، آثار و شواهد این گونه مساجد شناسایی و بررسی خواهد شد. روش پژوهش «تاریخی - تحلیلی» است و داده ها با اتکای به کتاب ها، گزارش های باستان شناسی و مرمت و اسناد تاریخی و مشاهده و مطالعه شواهد میدانی فراهم می آید.

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش درباره مساجد کهن یزد (بازه زمانی سده یکم تا پنجم - ششم هجری)، انگشت شمار است و هیچ یک با نگاهی فراگیر و در مقیاس منطقه نیست، اما درباره برخی مساجد از این دست پژوهش های مفصل یا اشاراتی کوتاه شده است. در پهنه منطقه یزد، تنها افشار در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش در یادگارهای یزد به مطالعه و معرفی مساجد تاریخی شهرها و روستاهای تاریخی یزد پرداخت. تأکید او بیشتر از دریچه مکتوبات تاریخی و کتیبه های موجود در بناها بود (افشار، ۱۳۴۸؛ همو، ۱۳۵۲). مساجد برخی شهرها، مانند شهر یزد، موضوع مطالعه خادم زاده و همکارانش در «مساجد تاریخی یزد» بود که با رویکرد توصیفی کار شده است (خادم زاده، ۱۳۸۴). در مقیاس بنا، سیرو دوره های تاریخی معماری مسجد جامع یزد را در مقاله ای مفصل در سال ۱۹۴۷ م به زبان فرانسه منتشر ساخت و به طور اختصاصی درباره مسجد شبستانی نخستین این مجموعه نوشت و شواهد آن را معرفی کرد (Sirox, 1947). محمد کریم پیرنیا در معماری اسلامی ضمن شرحی که درباره تاریخ تحول مساجد در ایران عرضه داشته، به مساجد کوچک «بومسلمی» اشاره داشته و مساجد جامع ابرکوه، یزد، میبد و نائین را جزء مساجد با ته رنگ شبستانی دانسته (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۴۲) و در شیوه های معماری ایرانی، همین مساجد را جزء بناهای شیوه خراسانی برشمرده است (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۱۸). پیرنیا همچنین در مقاله ای مسجد جامع فهرج را به عنوان قدیمی ترین مسجد تاریخی ایران در نیمه نخست سده نخست هجری معرفی کرد (پیرنیا، ۱۳۴۹). کسان دیگری هم در این باره دست به تحقیق بردند (Alfieri, 1977؛ شکوهی، ۱۳۶۷). مسجد نخستین میبد با طرح شبستانی، موضوع نوشتاری است که با ذکر شواهد نشان داده شده است (نیک زاده، ۱۳۹۵). مسجد شیخی های یزد، از دیگر بناهایی است که بنا به نظر برخی محققان زمان ساخت آن به سده نخست هجری نسبت داده شده است (جودکی عزیزی و دیگران، ۱۳۹۴). چنین نظراتی درباره این مسجد و دیگر مساجد محل بحث است که در این پژوهش بررسی خواهد شد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- نخستین مساجدی که در منطقه یزد بنیاد یافته‌اند کدامند و چه شواهدی از آن‌ها باقی مانده است؟
- ۲- این مساجد چه زمانی ساخته شده و الگوی مکانی و معماری آن‌ها چیست؟

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- مساجد سده‌های نخست هجری به استناد متون تاریخی

از نخستین مستندات تاریخی درباره مساجد یزد، یکی مسالک و ممالک اصطخری را می‌توان نام برد، که در نیمه نخست سده چهارم هجری (۳۴۶ ق) در ذکر نواحی کوره اصطخر آمده: «ناحیت یزد بزرگ‌تر نواحی اصطخر باشد، سه [چهار] جایگاه مسجد آدینه دارد: کته و میبد و نائین و بهره» (اصطخری، ۱۳۴۷، ۹۷). همین اشاره را ابن‌حوقل در همان حدود زمانی در صورالارض (۳۳۱-۳۶۷ ق) دارد. او ناحیه یزد را دارای چهار منبر معرفی کرده است: «در میان نواحی اصطخر جز یزد هیچ‌یک چهار منبر ندارد» (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵، ۳۶). همه چهار مکان گفته‌شده به همین نام وجود دارند و جز فهرج، سه جایگاه دیگر در مقام شهر باقی مانده‌اند. این اشارات کوتاه فقط موجودیت مسجد و منبر را در سده چهارم هجری تأیید می‌کند، بدون آنکه به موضع، تاریخ ساخت، بانی و مشخصه‌هایی از مساجد بپردازد. هم‌چنین اصطخری در مسالک و ممالک چنین آورده که «کته شهرست بر کنار بیابان ... مسجد آدینه به ربض دارد» (اصطخری، ۱۳۴۷، ۱۱۱ و ۱۱۲). این مسجد واقع در ربض همان مسجدی است که در ذیل چهار منبر یزد از آن یاد شده بود. در فارس‌نامه (سده ششم هجری)، ابرکوه شهرکی آباد توصیف شده که «آبادانست و جامع و منبر دارد» (ابن‌بلخی، ۱۳۳۶، ۱۲۴). کاتب در سده نهم هجری در تاریخ جدید یزد، روایتی مبنی بر ساخت «مسجد پتک» نزدیک دروازه مهریجرد به دست احمد زمجی، فرستاده ابومسلم خراسانی در نیمه نخست سده دوم هجری دارد (کاتب، ۲۵۳۷، ۵۶).

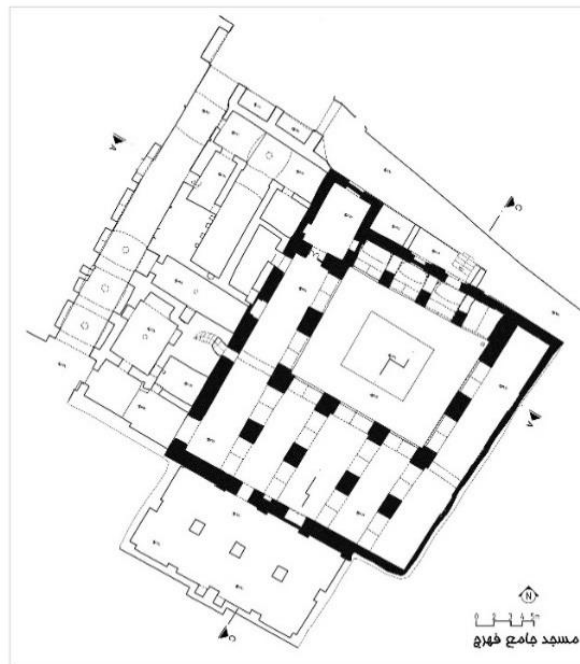
۳-۲- بازشناسی مساجد نخستین یزد بر اساس شواهد معماری

جز اشارات تاریخی، برخی مساجد را پژوهشگرانی چند شناسانده‌اند. هم‌چنین شواهد معماری از مساجدی دیگر که در این نوشتار ارائه می‌شود، در مشاهده‌های میدانی، حین پی‌گردی‌های باستان‌شناسی و هنگام اقدامات مرمتی آشکار شده که بیانگر وجود مساجدی از سده‌های نخستین در خاک یزد است. پیش‌ازاین از کته، بهره (فهرج)، میبد و نائین یاد شد؛ جز این‌ها، ابرکوه، شهر یزد، خویدک و بیده میبد از دیگر اماکنی است که با شرح ذیل می‌توان به این فهرست افزود.

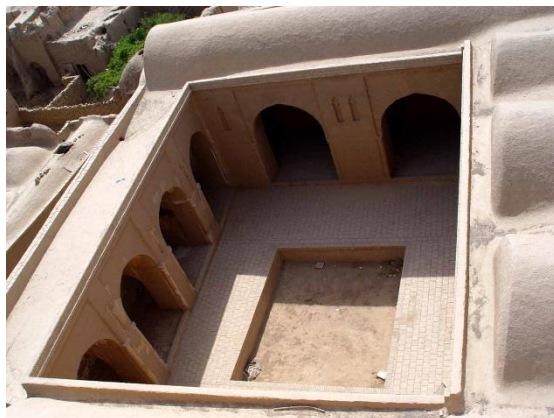
۳-۲-۱- مسجد جامع فهرج

این مسجد بنایی شبستانی است، با صحنی چهارضلعی در میان که فضاها در پیرامون آن قرار گرفته‌اند. شبستان اصلی که محل برپایی نماز جماعت است، در سوی قبله قرار دارد. شبستان قبلی فضایی به‌اندازه پنج ناو عمود به دیوار قبله در دو فرش‌انداز در امتداد شرقی غربی است و پوشش آن طاق بلند آهنگ و قوس‌ها بیضی است (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۳). امتداد ناوهای کناری به‌اندازه یک فرش‌انداز در سوی شرقی و سوی غربی ادامه می‌یابد. انتهای ناو غربی از درگاهی به اتاقی راه دارد. درمجموع ضلع قبلی با سه دهانه، دو ضلع شرقی و غربی با دو دهانه به‌سوی صحن طرح اندازی شده (تصویر ۱) و قاب محرابی ساده بر انتهای دهانه میانی با فتیله گلین^۱ کار شده است (تصویر ۴ و ۵). ضلع روبروی قبله چهار دهانه صافه مانند است که به یکدیگر ارتباط دارند (تصویر ۱، ۲). پوشش صافه‌ها نیم‌گنبدی است که بر ترمیه فیلیپوش ساده‌ای با دو پیش‌کردگی در گوشه نهاده شده است (تصویر ۶) (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۳؛ شکوهی، ۱۳۶۷، ۱۹ - ۲۰؛ Finster, 1994: 188). دهانه میانی شبستان که به محراب منتهی می‌شود، گشاده‌تر از دیگر دهانه‌هاست (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۳؛ Alfieri, 1977: 1؛ شکوهی، ۱۳۶۷، ۱۸؛ Finster, 1994: 188). افزوده‌هایی مانند اتاق‌ها، دکان‌ها در سوی غرب و شبستانی پشت دیوار قبله مربوط به سده‌های پس از بنیان مسجد است. بخش قدیم مسجد را با خشت‌هایی به ابعاد ۷/۵*۳۴*۳۴ س م ساخته‌اند.

پیرنیا مسجد جامع فهرج را، از این رو که شباهت بسیاری از نظر طرح و ساخت و آرایه‌ها به بناهای دوره ساسانی دارد، نیمه نخست سده نخست هجری تاریخ گذاری کرده است (پیرنیا، ۱۳۴۹: ۳). پژوهشگران دیگری مانند آلفیری در مقاله مفصلی، به سبب مشابهت بنا، از جمله ستونک‌های آن با مسجد سامرا، به سده چهارم هجری یا کمی پیش از آن (سده سوم هجری) نسبت داده (Alfieri, 1977: 76) و شکوهی این مسجد را با توجه به شباهتش با مسجد اُخیدر و برخی اجزای دیگر، متعلق به سده دوم هجری دانسته است (شکوهی، ۱۳۶۷: ۲۳). گالدیری در تطبیق با مسجد جامع اصفهان، فینستر با اتکا به شباهت طاق‌ها به مسجد جامع نائین و هیلن براند مسجد فهرج و تاریخانه دامغان را سده سوم هجری تاریخ گذاری کرده‌اند (Galdieri, 1973: 212; Finster, 1994: 189; هیلن براند، ۱۳۸۰: ۷۷). در مجموع این مسجد از سده نخست تا چهارم هجری تاریخ گذاری شده است.



تصویر ۱: نقشه مسجد جامع فهرج، بنای نخستین در گستره مسجد موجود (نقشه پایه از مرکز اسناد میراث فرهنگی استان یزد، به روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



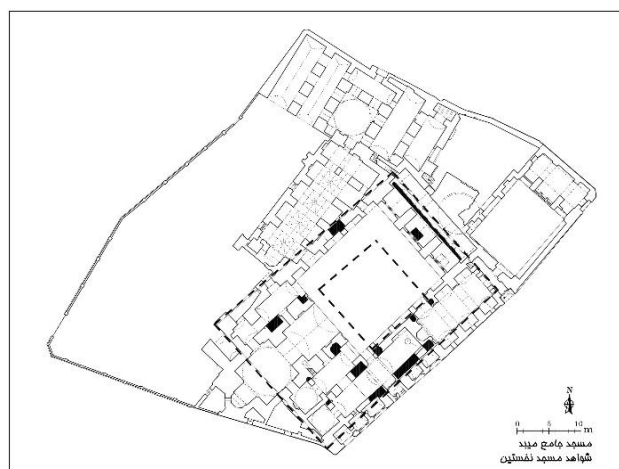
تصویر ۲ و ۳: مسجد جامع فهرج. چپ: صحن و پشت بام مسجد، راست: ناو غربی مسجد (عکس‌ها از نگارنده).



تصویر ۴، ۵ و ۶: مسجد جامع فهرج. چپ: محراب مسجد، میان: فنیله گلین قاب محراب، راست: ترمبه فیلپوش یکی از صفه‌های سوی شمالی (عکس‌ها از نگارنده).

۲-۳- مسجد آدینه میبد

بقایای نخستین مسجد میبد در دل جرزها و دیوارهای خشتی مسجد جامع، با انجام پژوهش‌های بنا باستان‌شناسی آشکار شده است. این مسجد از گونه شبستانی است، با این ترکیب فضایی که صحنی در میان قرار داشته، بخش اصلی سرپوشیده مسجد در سوی قبله با پنج دهانه که سه دهانه به صحن گشوده شده، با عمق سه فرش‌انداز در سوی قبله پیش‌روی داشته است. سه جهت دیگر به عمق یک فرش‌انداز، به صورت رواقی طرح‌اندازی شده بود (تصویر ۶). مسجد را با استفاده از ساختمایه خشت و گل و با جرزها و دیوارهای ستبر ساخته بودند. محدوده مسجد نخستین در فضاهای سوی قبلی (ایوان و مجاور آن)، پهلوه‌های شرقی و غربی صحن و سوی شمالی مکان نگاری می‌شود. مسجد این دوره با خشت‌هایی به ابعاد $۷/۵ * ۳۴ * ۳۴$ سانتی‌متر، ملات گل، رویه‌ای با اندود کاه‌گل و گاه اندود سفید و نازک گچ شناخته می‌شود. بر نبش جرزهای مسجد ستونچه‌هایی کار شده (تصویر ۷، ۸ و ۹) و بر روی آن طاق گهواره‌ای قرار می‌گیرد. کشیدگی شبستان‌ها و جهت طاق‌ها در امتداد قبله است (نیک‌زاد، ۱۳۸۵: ۱۲۰). مطابق شواهد، ورودی مسجد در سوی شرقی گشوده بود، درست همین جایی که اکنون سردر ورودی اصلی مسجد قرار دارد. درآیگاه مسجد و برخی درگاه‌های برجای مانده با چفد بیضی و به صورت چانه‌دار اجرا شده‌اند (تصویر ۱۰ و ۱۱)، اما از چفدهای داخلی نمونه کاملی در دست نیست. مشخصات بقایای آشکار شده در این مسجد که شرح داده شد، شباهت آن به مسجد جامع فهرج را اثبات می‌کند و با افزودن اشارات تاریخی، مسجد نخستین میبد در همان حدود سده سوم هجری تاریخ‌گذاری شده است (نیک‌زاد، ۱۳۸۵: ۱۳۲).



تصویر ۷: نقشه مسجد جامع میبد حدود و بقایای مسجد نخستین (مأخذ: نیک‌زاد، ۱۳۹۵، ۱۱۸، به‌روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



تصویر ۸، ۹ و ۱۰: مسجد جامع میبد. شواهد مسجد نخستین بر بدنه ضلع غربی صحن (عکس‌ها از نگارنده).



تصویر ۱۰ و ۱۱: مسجد جامع میبد. بقایای ورودی مسجد نخستین با چفد بیضی چانه‌دار (عکس‌ها از نگارنده).

۳-۲-۳- مسجد جامع بیده

این مسجد دو بخش زیرین (زیرک) و بالا را شامل می‌شود. بخش زیرین شبستانی کنده شده در دل خاک است و بخش بالایی، صحنی دارد و در سوی قبله ایوان و گنبدخانه به همراه فضاهای جانبی است. لایه‌برداری در دیواره غربی صحن، شواهدی کهن‌تر از آثار موجود و ظاهر را آشکار ساخت. بر این دیواره جرزها و چفدهایی باقی مانده که با خشت‌هایی به ابعاد $۷/۵ \times ۳۴ \times ۳۶$ سم و $۸ \times ۳۶ \times ۳۶$ سم بنا شده‌اند (تصویر ۱۲ و ۱۳). هرچند از این معدود آثار نمی‌توان پی به طرح معماری و فضاهای مسجد بُرد، اما به گمان، پیش از مسجد موجود که از عصر صفویه تا قاجاریه است، مسجدی وجود داشته که دیرینگی آن هم‌زمان با مسجد جامع میبد و فهرج است. از این‌روی که گزارش‌های تاریخی مؤید بنیاد بیده از دوران ساسانی است (جعفری، ۱۳۸۹، ۲۹)، وجود مسجد نخستین در این آبادی دور از انتظار نیست.



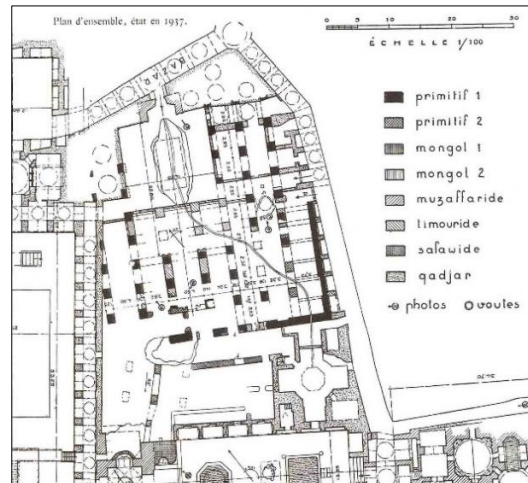
تصویر ۱۲ و ۱۳: مسجد جامع بیده. راست: بقایای مسجد نخستین در ضلع جنوبی، چپ: خشت‌های بزرگ مسجد قدیم (عکس‌ها از نگارنده).

۴-۲-۳- مسجد آدینه کته و مسجد جمعه شهرستان

پیش از این گفته شد که اصطخری، از «مسجد آدینه کته» به ربض نام برده است (اصطخری، ۱۳۴۷، ۱۱۲). آگاهی دیگری از مسجد مذکور در دست نیست و امروز روشن نیست که کدام بناست و چه مشخصاتی داشته، اما نخستین مسجد جامع کته باید همین مسجد واقع در ربض شهر باشد. موضع کته محل مناقشه است، هم‌چنین ربض آن. کته را گاه منطبق با شهر یزد، گاه زیر ریگ روان یا حدود کثویه و اطراف آن پنداشته‌اند (لسترنج، ۱۳۷۷، ۳۰۶؛ پیرنیا، ۱۳۴۹، ۹؛ افشار، ۱۳۵۲، ۵۷).

دو سده بعد از اشاره اصطخری، گزارشی از ساخت «مسجد قدیم جمعه شهرستان» و مناری بلند و یک‌قفسه به دستور ارسلان خاتون، همسر ابوجعفر علاءالدوله در اوایل سده ششم هجری در دست است که بر مقام «در ده» بنا گردید (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۶؛ کاتب، ۲۵۳۷، ۶۰). درباره مشخصات این مسجد جمعه چیزی گفته نشده است. موضع دقیق‌تر این مسجد در تواریخ یزد ذکر شده است، آنجا که از ساخت مسجد قدیم علاءالدوله بر «در ده»، به همان موضعی که منار ارسلان خاتون برپا بود، یاد می‌شود. مسجد علاءالدوله گنبد داشت و بر سر گنبدش مناری بود که «نشانه گاه مسافران» بود. «گرشاسب نهر قنات زارچ در آن مسجد جاری کرد و قریب هفتاد پله فرو می‌باید رفت» (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۷). به گفته مورخان یزد در سده نهم هجری، گنبد و مسجد و نهر آب زارچ موجود و به مسجد نو متصل بود (جعفری، ۱۳۴۳، ۹۴؛ کاتب، ۲۵۳۷، ۶۲). مقصود از مسجد نو، گنبدخانه و ایوان و فضاهای دیگری است که سیدرکن‌الدین در اوایل سده هشتم هجری بساخت و اکنون برپاست. از این اشارات می‌توان استدلال کرد که مسجد قدیم جمعه شهرستان موضع «در ده» در همین موضع که امروز مسجد جامع واقع است، قرار داشت. آگاهی به حدی نیست که بتوان با اطمینان اظهار کرد بنا داخل در «بارویی که گرد شهر بکشیدند و چهار دروازه و درهای آهنین نصب کردند» (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۵؛ کاتب، ۲۵۳۷، ۶۱) قرار داشته یا خارج از آن.

سیرو در مقاله مفصلی که درباره مسجد جامع یزد نوشته، بقایای قدیم مسجد را شناسایی کرده و آن را بنایی از سده دوم یا سوم هجری دانسته است (Siroux, 1947, 172). شواهد آن در محوطه شمال شرقی مسجد جامع واقع بر پشت بازارچه قرار داشت که نشان از مسجد شبستانی نسبتاً وسیع به عمق پنج فرش‌انداز در سوی قبله و روبروی آن و سه فرش‌انداز در دو سوی شرق و غرب می‌داد و صحنی مستطیل شکل داشت و در سوی قبله، ناو میانی به‌اندازه ۶/۲ متر گشاده‌تر از دیگر دهانه‌ها (۴ متر) بود (تصویر ۱۳). پوشش شبستان از نوع گهواره‌ای و در امتداد محور قبله بر روی دیوارها استقرار می‌یافت. این مسجد با خشت‌هایی به ابعاد ۱۰*۳۰*۳۰ سم بنا شده و با اندود کاه‌گل و گچ پوشیده بود (Siroux, 1947, 124). بقایای اندکی از این مسجد در پس‌وپیش شبستان جدیدی که بر جای آن ساخته شد وجود دارد که شامل جرزها، تویزه و پاکار طاق شبستان است^۲ (تصویر ۱۵ و ۱۶). در بررسی میدانی قدیمی‌ترین بقایای موجود که متصل به پشت بازارچه است، روشن می‌شود جرز مسجد به ابعاد ۱۲۶*۱۳۴ سم و با خشت‌های ۷/۵*۳۳*۳۳ سم است و هرچند بر چهار نبش آن پیلک کار نشده، اما دیگر مشخصه‌های آن، نظیر پاکار طاق پیش آمده، جزئیات ساخت مسجد فهرج را یادآوری می‌کند. شاید بتوان این مسجد را با مسجد آدینه به ربض انطباق داد و این‌طور استنباط کرد که ارسلان خاتون مسجدی نساخته، بلکه مسجد نخستین را تعمیر کرده و بر آن افزوده بود.



تصویر ۱۴: نقشه بقایای مسجد شبستانی واقع در مسجد جامع یزد که کهن ترین بخش بنا را تشکیل می دهد (Siroux, 1947, 125).

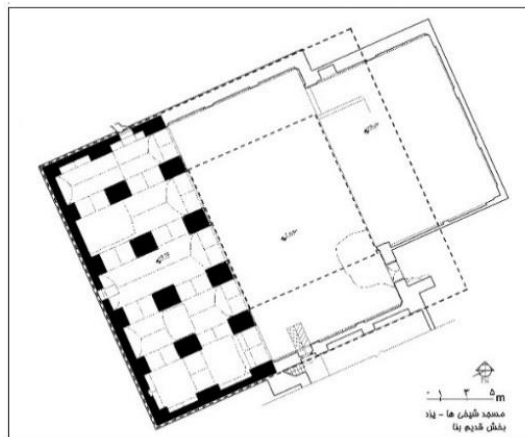


تصویر ۱۵ و ۱۶: مسجد جامع یزد. چپ: بقایای مسجد نخستین که در فضای پشت شبستان وزیری باقی مانده است، راست: تویزه و پاکار طاق مسجد قدیم (عکس ها از نگارنده).

۵-۲-۳- مسجد شیخی ها

در محله وقت و ساعت یزد، مسجد شیخی ها در ترازوی پایین تر از گذر واقع شده است. کهن ترین بخش این مسجد دارای صحن، شبستان قبلی و فضای مخروبه ای در بخش شمالی است که مسجدی با طرح شبستانی را عرضه می کند. اینک شبستان قبلی با تقسیمات پنج دهانه ای به سوی صحن و دو فرش انداز عمق دارد. اضلاع دیگر را دیوارهای قاب بندی شده تشکیل می دهد (تصویر ۱۷، ۱۸ و ۱۹). گمانه زنی و لایه برداری ها^۲ نشان داده، بر چهار نبش جرزها چهار پیلک (نیم ستون) کار شده که تقریباً تا زیر پاکار تویزه ها ادامه می یابد (تصویر ۲۰ و ۲۱). دیوار مجرد دو سوی شرقی و غربی صحن غریب می نماید، زیرا در همه مساجد با این نظام فضایی، یک یا چند ردیف شبستان در دو سو طرح اندازی شده اند. به نظر می رسد، مسجد در طرح اصیل و نخستین، از سه دهانه به سوی صحن تشکیل می شد و در سوی شرق و غرب دست کم یک دهانه نظام می یافت. هم چنین در سوی شمال هم شبستانی وجود داشت. با این وصف، صحن مسجد کوچک تر و به ابعاد مربع نزدیک می شود (تصویر ۱۷). نماسازی صحن از اقدامات متأخر و پس از برچیدن فضاهای شرقی و غربی و مخروبه شدن ضلع شمالی است. جز این ها در حدود دوره صفویه، تعمیرات و بازسازی هایی در داخل شبستان قبلی، با ساخت برخی تویزه ها، طاق های گهواره ای تیزه دار و طاق های کلمبو صورت گرفته بود و سپس مسجد در سوی شرقی، با فاصله ای توسعه یافت.

پژوهشگرانی این بنا را با مشابهتش به ساختار مساجد اولیه، نشانه هسته اولیه شهر به شمار آورده‌اند (خادمزاده، ۱۳۸۴، ۲۱۶؛ همو، ۱۳۸۶، مقدمه). برخی این مسجد را با توجه به شباهت آن به مسجد جامع فهرج و میبد، از بناهای اولیه هجری دانسته‌اند (جودکی عزیزی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۹۸)؛ اما این مسجد با خشت‌هایی به ابعاد $۷/۵ - ۳۱ \times ۳۰$ س.م بنا گردیده که قابل مقایسه با خشت‌های به‌کاررفته در دوره دوم ساختمانی مساجد فهرج و میبد می‌باشند که تاریخی کهن‌تر از سده پنجم هجری ندارند. منار مسجد جامع فهرج و گنبدخانه، ایوان و منار مسجد جامع میبد از این حدود زمانی‌اند. نوع چفدهای کارشده در تویزه‌های اولیه، برخلاف مساجدی چون فهرج، از نوع تیزه‌دار است.



تصویر ۱۷: نقشه مسجد شیخی‌ها، حدود و بقایای مسجد نخستین. خط‌چین حدود تصویری مسجد نخستین را نشان می‌دهد (نقشه پایه از مرکز اسناد پایگاه پژوهشی شهر یزد، به‌روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



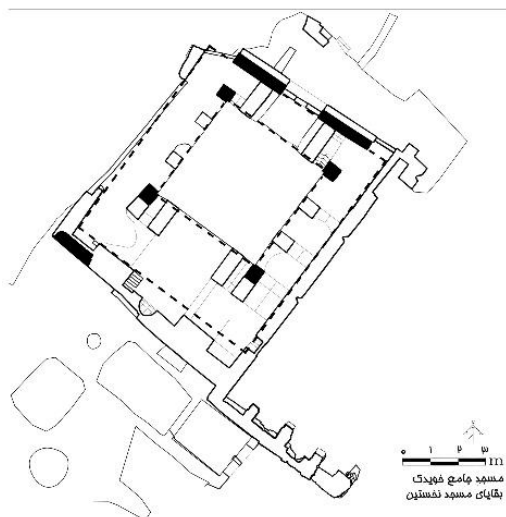
تصویر ۱۸ و ۱۹: مسجد شیخی‌ها. چپ: چشم‌انداز صحن و سوی قبله، راست: داخل شبستان مسجد (عکس‌ها از نگارنده).



تصویر ۲۰ و ۲۱: مسجد شیخی‌ها. چپ: جرز و ستونچه نبش آن و خط‌اندازی زیر تویزه، راست: جرز مسجد نخستین در زیر لایه‌های ساختمانی متأخر (عکس‌ها از نگارنده).

۶-۲-۳- مسجد جامع خویدک

شواهد مسجد قدیم خویدک در دل جرزه‌های مسجدی نیمه‌مخروبه به‌جا مانده است. بنای موجود مسجدی با طرح دو ایوانی، مشتمل بر صحن، ایوان شمالی و جنوبی، شبستان (گرمخانه) تخریب‌شده شرقی و دالان ورودی است که بر روی سطح برآمده گلین استقرار دارد (تصویر ۲۲، ۲۳ و ۲۴). هرچند پژوهش‌های باستان‌شناسی در این مسجد صورت نگرفته، لیکن جرزه‌هایی که پیلک بر نبش‌های آن کار شده، نمایانگر مشخصات مسجد نخستین در خویدک است (تصویر ۲۵ و ۲۶) که با خشت‌هایی به ابعاد ۷*۳۱*۳۱ سم بنا کردند. مسجد نخستین شامل صحنی کوچک، شبستان قبلی با سه دهانه به‌سوی صحن در عمق دو فرش‌انداز تا محراب بوده است. بر سه ضلع دیگر رواقی دور می‌زند که سه دهانه به‌سوی صحن باز می‌شد (تصویر ۲۲). پوشش مسجد طاق آهنگ بود (تصویر ۲۷). باینکه طرح مسجد شبستانی است و در مقیاسی کوچک‌تر به مسجد فهرج شباهت دارد، اما جرزه‌های نازک‌تری دارد و با خشت‌های کوچک‌تری بنا شده که در منار مسجد جامع فهرج و ایوان و گنبدخانه مسجد جامع میبد به چشم می‌خورد، عناصر و فضاهای مورد اشاره در حدود سده ششم هجری به مساجد افزوده شده‌اند.



تصویر ۲۲: نقشه مسجد جامع خویدک، حدود و بقایای مسجد نخستین (مأخذ نقشه پایه: هنر سرای معماری یزد، ۱۳۸۸، به‌روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



تصویر ۲۳ و ۲۴: مسجد جامع خویدک. چپ: تصویر مایل هوایی، راست: صحن و ایوان مسجد (چپ، عکس از خبره دست، آرشیو پایگاه پژوهشی یزد، راست: نگارنده).

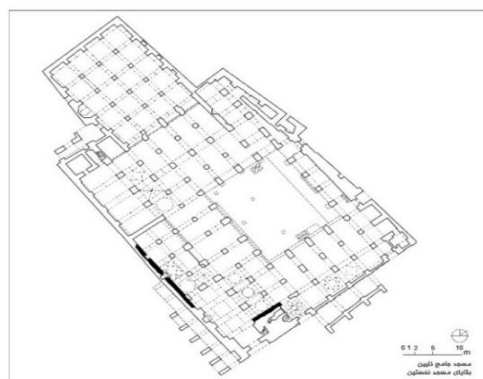


تصویر ۲۵، ۲۶ و ۲۷: مسجد جامع خویدک، شواهد مسجد نخستین. چپ: بقایای جزر قدیم بر دیوار شرقی ایوان جنوبی، میان: جزر پیلک‌دار بر دیوار غربی ایوان، راست: بقایای طاق قدیم واقع بر دیوار شمالی مسجد که به دیوار ایوان شمالی چسبیده است (عکس‌ها از نگارنده).

۷-۲-۳- مسجد جامع نائین^۴

در وضع کنونی، مسجد جامع نائین طرح و نقشه شبستانی دارد. صحنی در میان آن است و شبستان‌ها در پیرامون آن گسترده‌اند. ساختار بنا بر اساس ستون‌هایی با اشکال گوناگون و توزیه‌هایی در امتداد محور قبله طرح‌ریزی شده است. طاق گهواره‌ای در همین محور، پوشش بنا را تشکیل می‌دهد و در برخی موارد از طاق‌های دیگر استفاده کرده‌اند. سردرهای کشیده و مناره از دیگر عناصر مسجد به شمار می‌رود (تصویر ۲۸ و ۲۹). به نظر فلوری، بخش عمده ساختمان موجود با استناد به کتیبه‌ها و آرایه‌های گچ‌بری در مقایسه با مسجد سامرا به سده چهارم هجری نسبت داده شده (فلوری، ۱۳۷۲، ۱۶۶) و قوچانی کتیبه‌های گچی را در مقایسه با کتیبه گنبد مسجد جامع نطنز مربوط به سده چهارم و کتیبه‌های رنگین کوفی را مربوط به سده پنجم هجری تاریخ‌گذاری کرده است (قوچانی و شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۳۸). افزوده‌های فضایی از سده هشتم هجری هم در مسجد وجود دارد.

اما مسجد نخستین از این کهن‌تر است و بقایای اندکی از آن به‌جا مانده است. دیواره‌های خشتی با اندود کاه‌گل و گاه رنگ شواهدی از آن مسجد برآورد می‌شود که با خشت‌هایی به ابعاد $۷/۵ * ۳۴ * ۳۴$ سم ساخته شده است. شواهد یادشده که در شبستان جنوبی، در محدوده دیوار قبله و شبستان کوچک کنج شمالی (نیک‌نهاد، ۱۳۹۷، ۲۵۸) و بخش غربی شبستان جنوبی پشت دیوار پایه مناره یافت می‌شود (تصویر ۳۰، ۳۱ و ۳۲)، باید مربوط به همان مسجدی باشد که جغرافی‌نویسان سده چهارم هجری از آن یاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد مسجد با آرایه‌های پرکار یک سده بعد بر جای مسجد نخستین و با حفظ بخش‌هایی از آن بنا ساخته شد. شیرازی به کتیبه و دیواره موجود در زیر گچ‌بری‌های سده چهارم هجری اشاره دارد که مربوط به دوره نخست ساختمانی مسجد و مربوط به سده دوم هجری است که در جریان لایه‌برداری‌ها بخشی از آن آشکار شده و آگاهی از بقیه به فرصت دیگر و فناوری پیشرفته نیاز دارد (قوچانی و شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۴۲).



تصویر ۲۸: نقشه مسجد جامع نائین، موقعیت و بقایای مسجد نخستین (نقشه پایه، حاج قاسمی، ۱۳۸۳؛ به‌روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



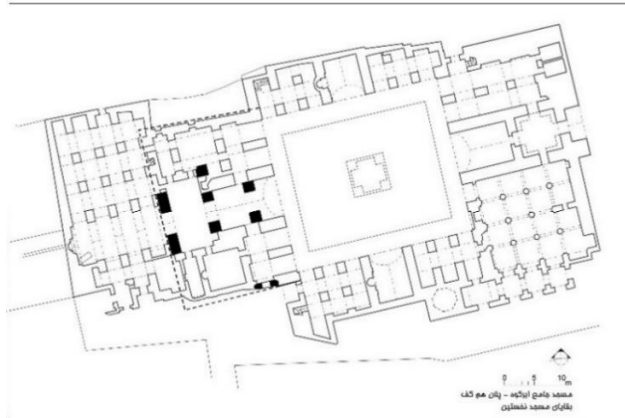
تصویر ۲۹ و ۳۰: مسجد جامع نائین، چپ: جبهه قبلی و مناره، راست: دیوار خشتی مسجد نخستین واقع در پشت پایه مناره در شبستان جنوبی (عکس‌ها از نگارنده).



تصویر ۳۱ و ۳۲: مسجد جامع نائین، چپ: دیوار قبلی مسجد نخستین واقع بر کنار محراب، راست: بخش بالایی دیوار قبلی با جزئیات خشت و رنگ آبی (عکس‌ها از نگارنده).

۸-۲-۳- مسجد جامع ابرکوه

این مسجد در سیمای کنونی، طرح چهار ایوانی با صحنی گشاده و فضاهای گوناگون بر گرد صحن دارد. کهن‌ترین شواهد بنای مسجد* در سوی قبله و در اطراف ایوان جنوبی، از دل جرزه‌های موجود آشکار شده است (تصویر ۳۳). مسجد نخستین با جرزه‌هایی که بر چهار نیش آن‌ها پیلک‌هایی کار شده، ساخته شده است. بنا که با ساخت‌مایه خشت و گل ساخته شده، جداره‌های آن با کاه‌گل در زیر و گچ نازک در رو اندودکاری شده است (تصویر ۳۴ و ۳۵). بنا به قول نویسنده فارس‌نامه در سده ششم هجری، ابرقو صاحب جامع منبر بود (ابن بلخی، ۱۳۳۶، ۱۲۴) اما از این پیش‌تر گزارشی از مسجد در دست نیست. موضع ستون‌های مسجد نخستین، به وضوح نشان می‌دهد که در سده هفتم - هشتم هجری مسجدی با طرح شبستانی مبتنی بر جرزه‌های برابر به مسجدی با طرح ستون‌دار دگرگون شد. به این نحو که یک ردیف از جرزه‌های مسجد نخستین برچیده شد و به اندازه دو دهانه قدیم پهناي ایوان تعیین شد و دیوارهای دو جانب ایوان با نگهداشتن جرزه‌های پیشین و افزودن بر آن، ساخته شد. علاوه بر این، سه ضلع دیگر مسجد تخریب و با برپایی فضاهای جدید صحنی گشاده‌تر از پیش طرح‌اندازی شد. به این ترتیب وسعت بنا به چند برابر مسجد نخستین رسید.



تصویر ۳۳: نقشه مسجد جامع ابرکوه، موقعیت و بقایای مسجد نخستین و حدود بخش قبلی (نقشه پایه: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان یزد، به روزرسانی و افزوده‌ها از نگارنده).



تصویر ۳۴ و ۳۵: بقایای جرزهای مسجد نخستین ابرکوه پس از لایه برداری. بر نبش جرزها پیلک کار شده است (عکس راست از نگارنده، چپ از رضا رحمانی).

۴- بحث و تحلیل یافته‌ها

۴-۱- گاه نگاری

در کتاب‌های تاریخی، از مساجد بسیاری نام برده شده و زمان ساخت و بانیان آن‌ها ذکر شده است، اما این آگاهی از مساجد منطقه یزد به دست نمی‌آید و اشارت در این باره بسیار کوتاه و موجز است. تواریخ محلی یزد، که آگاهی دقیق‌تری از شهرها و روستاها و بناها به دست می‌دهند، زودتر از سده نهم هجری نوشته نشدند. با استناد به روایات جغرافی نویسان و مورخان، مساجد یا منابر در سده سوم هجری در منطقه یزد ظهور و بروز داشتند. هیچ‌یک به تاریخ ساخت مساجد اشاره‌ای ندارند و مورخان پیشین هم اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اند. نام بردن از مساجد شهرهای کته، بهره، مید و نائین در سده سوم و چهارم هجری جز حکایت از این واقعیت که مساجد جامع شهرها در این بازه زمانی وجود داشتند، شاید نشان از این باشد که در همین زمان بنیان یافته‌اند نه پیش از آن. اگر چنین است تا پیش از سده سوم - چهارم هجری مسلمانان در کجا نماز به جا می‌آوردند؟ بالینکه جمعیت کلان منطقه بر کیش گذشته می‌زیستند، بهرروی در همان سده نخست هجری «قوم تازیان و بنی تمیم در یزد مقیم شدند و تمام مجوسان ولایت یزد جزیه قبول کردند» (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۲ و ۳۲) و برخی باشندگان نیز به دین جدید درآمده بودند. دشوار نیست بفهمیم که مقصود مورخان از منبر، همانا مسجد جامع است نه دیگر اقسام مساجد. می‌توان گمان برد، مساجدی برای به جا آوردن نماز وجود داشته، اما در جایگاه اندام شهری اثرگذار مطرح نبودند و شهرها با آن‌ها شناخته نمی‌شدند. تنها خبر موجود درباره ساخت

مسجد در سده نخست هجری، مربوط به مسجد «پتک» نزدیک دروازه مهریجر است که احمد زمجی از سوی ابومسلم خراسانی این مسجد را بساخت (کاتب، ۲۵۳۷، ۵۶). این همان بنایی است که گفته شده علی بن موسی الرضا در آخر سده دوم هجری، هنگام رسیدن به یزد در آن نماز به جا آورد. مسجد مذکور با نام «فُطْر» اکنون در همان موضع در محله دارالشفای موجود و مشهور به قدمگاه است، اما آثاری از مسجد نخستین آن پیدا نیست.

در سده چهارم هجری در کتب جغرافیای تاریخی از ابرکوه به عنوان شهر نام برده شده، اما از جامع آن یاد نشده است (اصطخری، ۱۳۴۷، ۹۸ و ۱۱۲؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۳۶ و ۵۰). شاید در ابتدا این گمان پدید آید که تا سده پنجم هجری یا سدهای پیش تر، این شهر مسجد جامع نداشته، اما شواهد به خوبی گواه مسجدی با طرح شبستانی است که شباهت بسیاری به مسجد جامع نخستین فهرج و میبد دارد.

مطابق مطالب پیش گفته، مساجدی که از سده های نخست هجری در یزد به جا مانده، گویای شواهدی از مساجدی با طرح شبستانی است و تا امروز، گاه نگاری مطلق و تعیین تاریخ دقیق بنیان مساجد عملاً ناممکن به نظر می رسد، زیرا هیچ یک تاریخ مکتوب ندارند و با استناد به مطالعات تطبیقی، اظهار نظر صورت گرفته است. درباره تاریخ بنیان مسجد جامع فهرج آرای گوناگونی اظهار شده است که طیف زمانی سده نخست تا چهارم هجری را دربر می گیرد (Alfieri, 1977, 76؛ شکوهی، ۱۳۶۷، ۲۳؛ انیسی، ۱۳۸۹، ۹ و ۲۲). در مجموع، قاطبه پژوهشگران، کهن ترین بنیاد مساجد را به سده سوم هجری نزدیک تر دانسته اند (Siroux, 1947, 172؛ نیک زاد، ۱۳۹۵، ۱۲۹). این تاریخ گذاری نسبی تابع عوامل گوناگونی است. مبنای تاریخ گذاری، طرح معماری و ترکیب فضاها، فناوری ساخت باوجود پیلک های نبش پایه های خشتی، نوع چفدهای چانه دار، چفدهای نزدیک به بیضی و طاق های گهواره ای به کار رفته در پوشش بناهاست؛ همچنین ابعاد و اندازه خشت ها و نحوه آمودگذاری ها را نباید از نظر دور داشت. مسجد جامع فهرج، میبد و ابرکوه به سبب در دسترس بودن شواهد معماری شان وضع روشن تری دارند و وجوه اشتراک فراوانی دارند. شاید بتوان مسجد نائین و میبد را که شواهد اندکی از ساختارهای نخستین آن ها آشکار شده، در زمره همین مساجد برشمرد. مطابق روایات تاریخی، مسجد کته که از بنای آن شواهد متقن در دست نیست، اما با توجه به اندک شواهد به جا مانده و پژوهش سیرو در مسجد جامع یزد، این بنا می تواند با سه مسجد نخست هم زمانی داشته باشد. مساجد دیگری مانند شیخی ها و خویدک را به گمان باید در بازه دوم زمانی (سده پنجم - ششم هجری) در نظر گرفت؛ زیرا حاوی ساخت مایه، هندسه و اشکالی است که در مساجد روزگار سده پنجم یا ششم به بعد دیده می شود.

دگرگونی های به وجود آمده در مساجد جامع نخستین، پس از گذشت بیش از هزار سال، قابل درک است. دگرگونی های بعدی مساجد که به تبع افزایش جمعیت و ویژگی های زمانه روی داده، بیشتر مبتنی بر تهرنگ نخستین بوده است. شواهد معماری سده های نخست هجری عمدتاً در گستره سوی قبله مساجد یا در جهات دیگر کشف شده یا آشکار است.

۲-۴- مکان نگاری

۱-۲-۴- ویژگی محیطی و نسبت مساجد با شهر

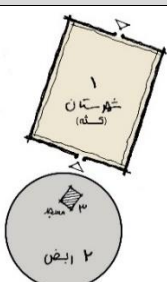
مطابق نوشته اصطخری در سده چهارم هجری، مسجد آدینه شهر کته به روض و بیرون دروازه بود. «کته» شهری هست و حصار دارد؛ و آن را دو در آهنین است: یکی را باب ایزد گویند و یکی را باب المسجد؛ و مسجد آدینه به روض دارند و آب کاریز خورند» (اصطخری، ۱۳۴۷، ۱۱۱-۱۱۲). وجود دروازه ای با نام «در مسجد» در کته، می تواند نشان از نزدیکی این دروازه به مسجد باشد، زیرا نام گذاری های مبتنی بر مکان برای دروازه های شهر به این بستگی داشت که دروازه رو به کدام سو بوده باشد. ساحت های درون و بیرون شهر از نام بسیاری از دروازه ها پیداست. مکان های شهر مانند مسجد جامع در نام گذاری مؤثر واقع می شدند (رحیم زاده و اهری، ۱۳۹۹، ۸۳). چنانچه ابن حوقل در مسجد را نزدیک مسجد جامع که در روض قرار دارد نشان داده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۴۹). حدود مکانی این دروازه و در نتیجه روضی که مسجد در آن قرار داشت معلوم نیست، اما سوی جنوبی فرض شده است (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۴، ۴۸). توصیف یاد شده از کته و مسجد آدینه اش شباهت زیادی به میبد و موقعیت مسجد آن دارد. اگر بیرون حصار با احتساب آبادی ها و اماکن

سکونتی و عرصه‌های باغی و کشاورزی همچون ربض یا زیستگاه‌های خارج از استحکامات به شمار آید، چنین تصویری به ذهن نزدیک‌تر می‌شود. روشن نیست که شارستان میبد همچون کثه دو دروازه شمالی و جنوبی داشته یا به‌مانند سده‌های بعد چهار دروازه گشوده بود. هر چه باشد، در آن روزگار، حدود محصور شهر منحصر به محله بالا بود که کوچه‌های پیچ‌درپیچ و بافت فشرده دارد و مسجد جمعه در خارج از آن دیده می‌شود (Esfanjari, 2017, 118) و به گمان حصار و بارو در سوی شمالی تا پیش از مکان استقرار مسجد جامع بود (اسفنجاری، ۱۳۸۵، ۴۹) و می‌توان پذیرفت که از ابتدا مسجد جمعه در این سوی و در خارج از حصار بنیان یافت.

مسجد جامع نائین در منتهی‌الیه شمالی بیرون شهر قدیم، نزدیک به حصار استقرار داشت و «در مسجد» در همان سو، نزدیک مسجد گشوده می‌شد. محله‌ای که مسجد جامع در آن قرار دارد، «درب مسجد» نامیده می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴، ۳۲ و ۵۷). در سده‌های نخستین وضع دیگری حاکم بود، به این نحو که به گمان شارستان کوچک‌تر بود و مسجد جامع در خارج از حصار شمالی شارستان ساخته شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۴، ۳۱ - ۳۲). نارنج‌قلعه واقع در سوی شرقی شهر، با خندق به شهر نزدیک بود. در سده‌های بعد، شارستان توسعه یافت و مسجد جامع و قلعه داخل شارستان واقع شد. این وضع از زائده‌وار بودن عرصه شمالی شهر که تا چند دهه پیش تر حصار آن را محصور می‌کرد، هم تشخیص داده می‌شود. این نحوه قرارگیری اندام‌های شهری شباهت زیادی به میبد در همان روزگار دارد. مسجد جامع ابرکوه بر منتهی‌الیه جنوبی قدیم و آغاز عرصه جدید شهر ساخته شد (گدار، ۱۳۸۵، ۲۲۶). به نظر می‌رسد در سده‌های نخستین، این مسجد در بیرون حصار جنوبی بنیاد یافته بود. مکان‌یابی مساجد فهرج و خویدک هم حضور مسجد در خارج از روستا را نشان می‌دهد. این ویژگی امروز هم قابل تشخیص است.

ساخت مسجد جامع در خارج از حصار در شهرهای ایران بی‌سابقه نیست. اگر صورتی از ربض را به اعتبار گفته ابوبکر نرشخی در تاریخ بخارا، مکان مستحکم و دارای حصار و بارو و دروازه (نرشخی، ۱۳۱۷، ۴۲) در نظر آوریم، آنگاه مسجد ساخته‌شده در ربض، همچون بناهای شارستان، تمهیدات محافظتی داشت و بنایی یکه در بیرون از شهر نبود. گاه ربض از نظر وسعت شهری هم‌تراز با شارستان بود و در آن بازار و کاروانسرا و جز آن برقرار می‌شد و لشکریان در آن می‌زیستند. ابن‌حوقل درباره کثه می‌نویسد: «و بیرون شهر ربضی است مشتمل بر بناها و بازارهایی آباد و بیشتر مردم آن به نویسندگی راغب‌اند و مسجد جامع خوبی نیز دارد» (ابن‌حوقل، ۱۳۴۹، ۵۰)؛ بنابراین بیشتر مساجد جامع نخستین یزد در خارج از حصار قرار داشتند (جدول ۱) و هیچ دور از ذهن نیست که بنیاد مسجد جامع خود منشأ آبادانی ربض یا بیرون شهر شده باشد.

جدول ۱: ویژگی محیطی استقرار مساجد جامع نخستین منطقه یزد (تنظیم از نگارنده).

نام مسجد	ویژگی استقرار مکانی	نقشه / کروکی / تصویر هوایی
مسجد جامع کثه	استقرار مسجد جامع در داخل ربض، به خارج دروازه شارستان، مطابق گزارش اصطخری و ابن‌حوقل. ۱. شارستان کثه، ۲. ربض، ۳. مسجد جامع (طرح از نگارنده).	
مسجد جامع میبد	استقرار مسجد جامع در خارج از بافت کهن، واقع در بیرون حصار شمالی اولیه. ۱. حدود شهر سده‌های نخست هجری، ۲. نائین قلعه، ۳. مسجد جامع، ۴. شارستان میبد (عکس هوایی ۱۳۴۲ ش سازمان نقشه‌برداری کشور، افزوده‌ها از نگارنده).	

	مسجد جامع نائین مسجد جامع واقع در خارج از شهر سده‌های نخستین هجری. ۱. محدوده تقریبی شهر سده‌های نخست هجری، ۲. نارتج قلعه، ۳. مسجد جامع، ۴. محدوده تاریخی شهر و موضع حدودی دروازه‌ها (مأخذ: نگارنده، بر پایه مطالعات سلطان‌زاده، ۱۳۷۴، در نائین شهر هزاره‌های تاریخی، ص ۲۹-۳۲).	
	مسجد جامع فهرج استقرار مسجد جامع در خارج از بافت کهن روستا. ۱. روستا، ۲. مسجد جامع، ۳. قلعه (عکس هوایی گوگل ارث، افزوده‌ها از نگارنده).	
	مسجد جامع خویدی استقرار مسجد جامع در خارج از بافت کهن روستا. ۱. روستا، ۲. مسجد جامع، ۳. قلعه (عکس هوایی گوگل ارث، افزوده‌ها از نگارنده).	
	مسجد جامع و مسجد شیخی‌های یزد استقرار مسجد جامع و مسجد شیخی‌ها در داخل حصار. ۱. محدوده تقریبی شهر سده پنجم ششم هجری، ۲. محدوده شهر در سده هشتم هجری، ۳. مسجد جامع، ۴. مسجد شیخی‌ها (عکس هوایی گوگل ارث، افزوده‌ها از نگارنده، تعیین محدوده بر پایه مطالعات پرونده ثبت ملی و ثبت جهانی شهر یزد).	
	مسجد جامع ابرکوه استقرار مسجد جامع ابرکوه بیرون شهر سده‌های نخست هجری. ۱. محدوده تقریبی شهر سده‌های نخست هجری، ۲. محدوده بافت تاریخی شهر تا امروز، ۳. مسجد جامع (نقشه محدوده بافت تاریخی از معاونت میراث فرهنگی کشور، افزوده‌ها از نگارنده).	

۲-۴- ویژگی مکانی استقرار مساجد

مکان‌یابی مساجد نخستین در خارج از حصار و بیرون دروازه تصویری دور از ذهن نیست، زیرا در محدوده یاد شده هم زمین به اندازه کافی در اختیار قرار داشته و هم مزاحمت کم‌تری برای ساکنان فراهم می‌آورد. به لحاظ ارتباط طرح معماری با توپوگرافی، زمین مسطح امکان بهتری برای ساخت بنای وسیعی مانند مسجد فراهم می‌آورد، زیرا چنین بنایی نیاز به

حیاطی گشاده و فضاهای سرپوشیده بدون اختلاف سطح داشت. سوی دیگر چنین مکان گزینی را می‌توان در شرایط اجتماعی و مذهبی شهرهای پارس جست. بنا به آثار جغرافی‌نویسان سده‌های سوم و چهارم هجری، پیروان آیین زرتشتی شمار چشمگیری داشتند، آداب پارسیان برقرار بود و شهر و روستایی نبود که آتشکده‌ای نداشته باشد (اصطخری، ۱۳۴۰، ۹۷ و ۱۲۱؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۶، ۳۵؛ جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۱۲)؛ بنابراین مسلمانان هنوز در سده سوم - چهارم هجری قوت چندانی نداشتند و به گمان بیشتر جمعیت منطقه را باشندگان زرتشتی تشکیل می‌داد و ساخت مسجد در عرصه‌های زندگی غیرمسلمانان منطقی به نظر نمی‌رسید. از این‌روی خارج از حصار می‌توانست مکان‌یابی منطقی و بدون زحمت به شمار آید. در ولایات دیگر در همان سده نخست هجری، گاه پس از کشمکش میان مسلمانان و زرتشتیان، آتشکده‌ها ویران و مساجد بر جای این بناها و یا در مکانی دیگر برپا می‌شد. کرمان در همسایگی یزد چنین وضعی داشت (وزیری کرمانی، ۱۳۴۰، ۴۵)؛ اما در یزد گزارش مشابهی در دست نیست.

۳-۲-۴- ارتباط مسجد با آب

آب همواره عنصری حیاتی در مساجد محسوب می‌شد، زیرا با پاکی و طهارت نمازگزار و رفع تشنگی مردم در ارتباط بود. مساجد موردنظر این پژوهش به نحو آشکار و معناداری با آب در ارتباط بوده‌اند. «قنات خارزار» از نزدیکی ضلع شرقی مسجد جامع میبد می‌گذرد و نخستین مکانی است که این قنات آفتابی می‌شود. به آن «سر حوض بازار» می‌گفتند. تلاقی مظهر قنات با مسجد، دسترسی آسانی برای وضو ساختن را فراهم می‌کرد. «قنات کت نو» از میان صحن مسجد جامع ابرکوه در تراز زیرین عبور می‌کند و پایایی در زیر خدای خانه میان صحن کنده شده که دسترسی به آب را ممکن می‌سازد. در ضلع شرقی میان‌سرای مسجد جامع نائین پایایی کنار فضای زیرزمینی وجود دارد که با پله‌هایی می‌توان به آب «قنات مه‌توای» که از عمق حدود ۵ متر می‌گذرد، دسترسی یافت. آب «قنات زارچ» از میان صحن فعلی مسجد جامع یزد، در عمق حدود ۲۶ متری می‌گذرد و با پایایی (پاکنه‌ای) امکان رسیدن به آب میسر می‌شود. بنا به گواه تاریخی، دست‌کم از سده پنجم هجری این پایاب، بر سر قناتی که از پیش وجود داشته، کنده شد (جعفری، ۱۳۴۳، ۳۷). قناتی دیگر از ضلع شرقی مسجد و از تراز رو عبور می‌کرد و از آب آن استفاده می‌شد. مسجد جامع فهرج به شاخه‌ای از «قنات فهرج» نزدیک است و امکان استفاده از این آب برای نمازگزاران مهیا می‌شد. «قنات ختک» از کنار مسجد جامع روستای خویدک می‌گذرد و کمی جلوتر آسیابی در عمق زمین است که با آب آن می‌گشت.

مساجد نخستین منطقه یزد بر سر راه یا در امتداد و مجاورت رشته قنات بنیاد می‌یافتند تا دسترسی به آب برای وضو ساختن و پاکیزگی مهیا شود. اگر آب در تراز هم‌سطح زمین جاری می‌شد، زحمتی نداشت و دسترسی به آب آسان‌تر می‌بود، اما اگر چنین امکانی وجود نداشت، چاره‌ای جز کندن پاکنه و رسیدن به آب نبود؛ بنابراین پیش از بنیاد مسجد، تمهیدی برای نحوه تأمین آب اندیشیده می‌شد. این الگوی مکان‌یابی در مساجد دوره‌های بعد ادامه می‌یافت. قنات‌های نام‌برده شده که با مساجد ارتباط دارند، جملگی از قنات کهن منطقه به شمار می‌روند.

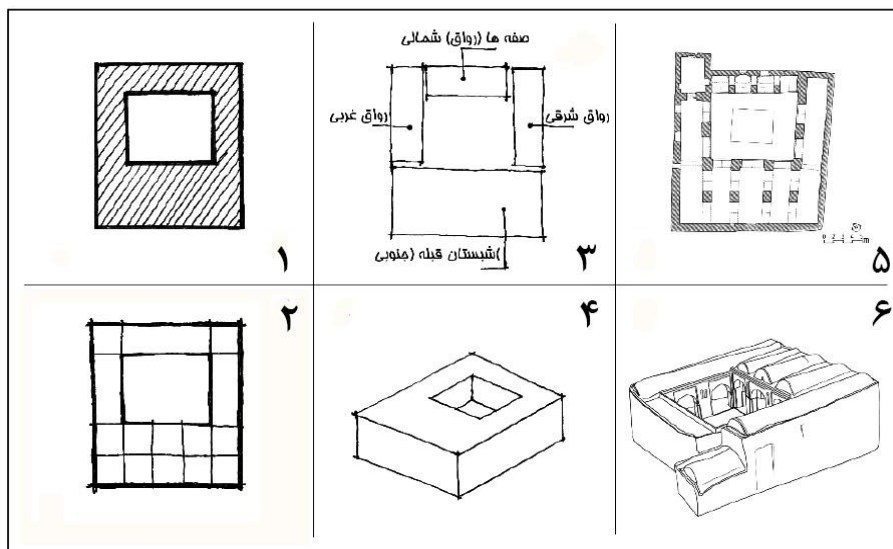
۳-۴- تحلیل الگوی معماری مساجد

جز مسجد جامع فهرج که اندک تصرفی در آن شده یا گسترش‌یافته، هیچ‌یک از مساجد سده‌های نخستین منطقه یزد بدون دگرگونی نمانده‌اند. بیشتر این بناها نوسازی شده و الحاقات و افزوده‌هایی از دوره‌های گوناگون تاریخی دارند و با کاویدن در دل دیواره‌ها و جرزها و کف مساجد، شواهدی از مسجد نخستین مشاهده و بازخوانی می‌شود. با توجه به قطعات و بخش‌هایی از مساجد، شناخت عناصر و فضاها و به دنبال آن یافتن الگوهای مشترک و تحلیل معماری دشوار، ناقص و محدود خواهد بود. با در نظر داشتن محدودیت یادشده، درباره الگوی معماری مساجد نخستین بحث خواهد شد. از میان مساجد بررسی‌شده، مساجد فهرج، نائین و شیخی‌ها بر پایه طرح شبستانی توسعه‌یافته یا نوسازی شدند، اما در طرح و نقشه باقی مساجد دگرگونی اساسی راه یافته و به گونه مساجد ایوان‌دار در آمده‌اند.

۱-۳-۴- طرح معماری و ترکیب فضایی

مساجد نخستین منطقه یزد در شکل اصیل خود، به‌طور کلی بر زمینه و زیربنای چهارضلعی بنا شده و متشکل از فضای سرپوشیده و روباز بودند. فضاهای سرپوشیده در چهار طرف، میان‌سرا را احاطه می‌کرد و این فضاهای نیمه‌باز به این فضای بازگشوده می‌شد. شبستان اصلی با وسعت بیشتر در سوی قبله قرار داشته و فضاهای دیگر از وسعت کم‌تری برخوردار بودند. طرح‌اندازی مساجد شبستانی با وجود میان‌سرا (صحن)، معماری سازگار با اقلیم منطقه به حساب می‌آید و ضمناً امکان ایجاد فضاهای چندفصل را فراهم می‌آورد. فضای تابستانه همواره در سوی قبله قرار داشته است (تصویر ۳۶). با وسعت کم فضاهای سه سوی دیگر، نمی‌توان به وجود فضای زمستانه اطمینان داشت. با شواهد موجود، دست‌کم در مسجد جامع فهرج و میبد چنین است. با تأخیری، شبستان زمستانی یا «گرمخانه»^۲ در مسجد جامع یزد به چشم می‌خورد و در دیگر مساجد، چند سده بعد و طی مرور زمان به عرصه مساجد افزوده شدند. آنچه مسجد جامع فهرج نشان می‌دهد، ضلع شمالی الزاماً قرینه ضلع قبلی نبوده است، درحالی‌که ضلع شرقی و غربی از این تقارن برخوردارند.

مساجد نخستین حوزه جغرافیایی یزد، با داشتن اشتراکاتی، به لحاظ طرح و تهرنگ معماری تفاوت‌هایی با مساجد شبستانی سایر نقاط ایران یا سرزمین‌های اسلامی دارند. طرح شبستانی دقیقاً به معنای ایجاد فضا با استفاده از تکرار ستون‌هایی با مقطع گرد، هشت‌ضلعی یا چهارضلعی که برخی آن را برگرفته از الگوی چهل‌ستون‌های معماری ایران باستان و برخی آن را طرح عربی برگرفته از مسجد پیامبر می‌دانند، نیست. بلکه فضاها با استفاده از جرزهای مستطیل‌شکلی به فاصله از یکدیگر که در محور قبله قرار دارند، به وجود آمده است. طرح شبستانی مساجد نخستین یزد، مبتنی بر جرزهای باربر خشتی است، نه متکی بر ستون. شاید این روش از معماری دوره ساسانی اخذ شده و در ادامه همان سنت و الگوی محلی بود که در این منطقه جریان داشت. بنای کاملی از روزگار ساسانیان در منطقه یزد برجای نمانده تا بتوان به‌طور مستند دست به مطالعه تطبیقی زد.

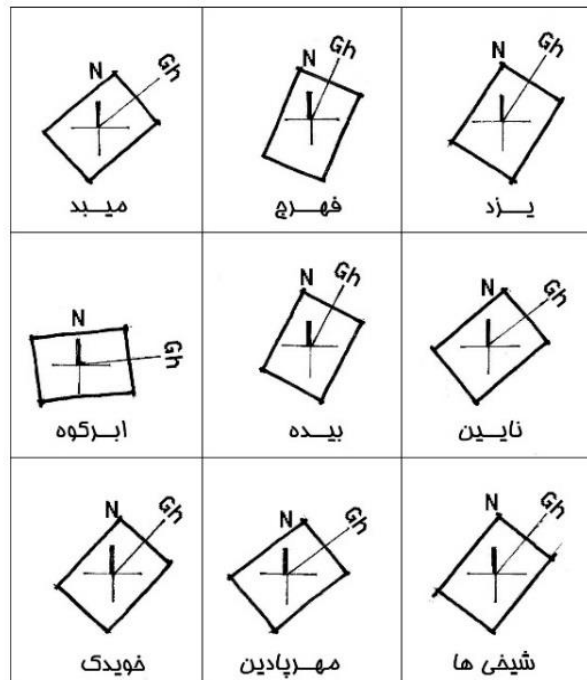


تصویر ۳۶: کروکی هندسه تجریدی و الگوی فضایی مساجد نخستین یزد. ۱. فضاهای سرپوشیده (نیمه‌باز) و روباز، ۲. تقسیمات هندسی، ۳. ترتیب فضاها، ۴. حجم کلی، ۵ و ۶. پلان و سه‌بعدی مسجد جامع فهرج، همچون نمونه‌ای متکامل (تنظیم از نگارنده).

۲-۳-۴- جهت ساخت

در منطقه یزد، محور قبله با گردش به‌سوی شمال شرقی - جنوب غرب است. این جهت‌گیری تا اندازه زیادی سازگار با اقلیم منطقه و نزدیک به آسایش زیستی است که در ساخت گونه‌های دیگر بناها رعایت می‌شود. این یک راستای کلی است و محورهای قبله مساجد نخستین بررسی‌شده در این پژوهش دقیقاً منطبق بر هم نیستند (تصویر ۳۷). جهت‌یابی قبله

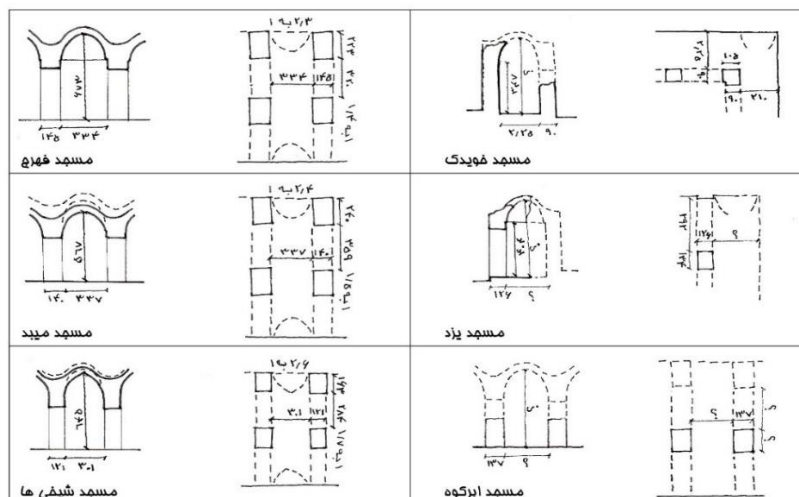
در طول زمان محاسبه یکسانی نداشته است. از این رو در مساجد کهنی که افزوده و الحاقات در آن‌ها راه یافته، فضاهایی با قبله‌یابی متفاوت دیده می‌شود.



تصویر ۳۷: جهت قبله مساجد نخستین یزد (تنظیم از نگارنده).

۳-۴- تناسبات و پیمون

مساجد نخستین با جرزهای ستبر ساخته شده‌اند تا تحمل عناصر سازه‌ای و بار سنگین سقف را داشته باشند. عمود به محور قبله، بین جرزها توزیه‌های باربر سوار شده و در محور شرقی غربی، طاق آهنگ بر روی جرزها استقرار می‌یافت. تمهیدات کافی برای حل مسائل سازه‌ای تدارک دیده شده و تکامل اشکال و احجام با تناسبات هندسی و پیمون ممکن می‌شد. ابعاد و اندازه جرزها و فاصله آن‌ها با یکدیگر هندسه‌ای به وجود آورده که معنادار و قابل سنجش است. محاسبه اندازه عمودی فضاها و عناصر معماری در بلندا، برای همه مساجد وجود ندارد، زیرا در اغلب بناها خرابی راه یافته و اندک شواهدی در دسترس است.^۸ در مسجد جامع فهرج، نسبت پهنای فرش‌انداز (فاصله بین دو ستون در جهت شرقی غربی) به بلندای طاق، به‌طور میانگین ۱ به ۲ برآورد می‌شود. به‌طور مثال: پهنای فرش‌انداز نخست شبستان جنوبی ۳۳۴ س‌م و بلندا از کف تا زیر طاق ۶۷۳ س‌م است. مسجد جامع میبد که متوسط پهنای فرش‌انداز ناو شرقی شبستان جنوبی به ۳۳۵-۳۳۷ س‌م می‌رسد، به‌سبب خرابی طاق، بلندای نامعلومی دارد. به گمان از همان نسبت ۱ به ۲ تبعیت می‌کرد. در این مسجد، بیشترین بلندای باقی‌مانده ۴۲۵ س‌م است که تا پیش از پاکار طاق را نشان می‌دهد. طاق‌های موجود که بازسازی دوره‌های متأخر و کوتاه‌تر محسوب می‌شوند، کمتر از ۶ متر بلندا دارند. پهنای فرش‌انداز شبستان مسجد شیخی‌ها گوناگون است. پهنای شبستان ۲۹۰ س‌م و بلندای طاق در وضعیت موجود ۶۴۵ س‌م است که نسبت ۱ به ۲/۲ به دست می‌آید. این طاق بازسازی شده از بلندای اصل طاق چیزی به‌جا نمانده است (تصویر ۳۸). دو بنای فهرج و میبد از نظر اندازه‌ها و تناسبات فضایی به هم نزدیک‌اند و کلفتی جرزهای مسجد شیخی‌ها کمتر و در نتیجه تناسب دیگری ایجاد شده است. این تفاوت می‌تواند یکی از مستندات تفاوت زمانی این مساجد باشد.



تصویر ۳۸: اندازه‌ها و تناسبات فضای شبستان در مقطع افقی و عمودی مساجد (ترسیم از نگارنده).

۴-۳-۴- فناوری ساخت و اجزای معماری

ساخت‌مایه: مساجد نخستین ذکر شده در این پژوهش از خشت و گل ساخته شده‌اند که از سازه تا اندود پناها را شامل می‌شود. دیوارها، ستون‌ها، تویزه‌ها و طاق‌ها همه از خشت و ملات گل است. خشت در ابعاد گوناگون از $۷/۵ \times ۳۴ \times ۳۴$ سم تا $۷ \times ۳۰ \times ۳۰$ سم بسته به تاریخ ساخت مساجد به کار رفته‌اند. طاق‌ها با همان اندازه خشتی برپاشده که دیوار را ساخته‌اند. برای ایجاد پیلک نبش جرزها، خشت برهم نهاده را تراشیده به شکل استوانه‌ای درآورده و روی آن را با کاه‌گل کامل می‌کردند. گاه برخی ترکیبات کمکی هم لابه‌لای مصالح پایه خاک مشاهده یا گزارش شده است. از جمله در مسجد فهرج ترکیبی از ریگ روان در کاه‌گل وجود دارد (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۸). در مسجد جامع میبد نی‌هایی را به فاصله در ساخت دیوار و جرزها به کار برده‌اند که یک ردیف در میان تکرار می‌شود (نیک‌زاد، ۱۳۹۵، ۱۲۳). اندود سفیدرنگ و نازک گچ، پوشش نهایی فضاهای داخلی مساجد را تشکیل می‌دهد. جداره‌های صحن و بیرون مسجد با کاه‌گل پوشیده می‌شد، اما فضاهای داخلی گچ‌اندود بود. این اندود نازک سفیدرنگ در مساجد فهرج، میبد، یزد، شیخی‌ها، خویدک، ابرکوه و نائین به‌وضوح پیداست.

از کف‌سازی نخستین همه مساجد آگاهی در دست نیست، اما بخشی از کف مسجد فهرج آشکار است و کف مسجد میبد و ابرکوه در گمانه‌زنی به دست آمده است. کف مساجد در صورت نخستین* اندود سفیدرنگ است که از مخلوط ماسه، گچ و شاید مقدار کمی آهک به دست می‌آمد. زیر اندود کف شفته‌ریزی شده که اکنون شن و ماسه ریزودرشت از آن باقی است. بر اساس مشاهده این اندود در مساجد جامع فهرج، میبد (پژوهش میدانی نگارنده) و هم‌چنین در ابرکوه (شهزادی، ۱۳۷۴، ۱) کار شده است. چون بر کف مسجد زیلو یا حصیر پهن می‌کردند، چنین اندودی مناسب داشت. فرش‌های متأخر این مساجد از آجر است.

آرایه: بر روی اندود سفید، آثاری از آرایه‌های رنگین مشاهده می‌شود و در اثر فرسودگی، آثار باقی‌مانده گاه قابل بازخوانی نیست. در مسجد فهرج، آرایه‌های رنگین با رنگ لاجورد و کمی سیاه کار شده است (Holakooei and Karimy, 2015, 224). این آرایه‌ها بر روی یکی از جرزها و در قاب و متن محراب کم‌عمق مسجد دیده می‌شود. هم‌چنین نقش در گل‌بری شده ضلع شرقی آغشته به رنگ اُخراست (تصویر ۶). در مسجد جامع میبد هم آثار اندکی از رنگ لاجورد در زیر تویزه ناو شرقی و رنگ اُخرا در زیر ستونچه ضلع شرقی و غربی مشاهده شده است. مسجد جامع یزد نیز حاوی برخی نقوش و رنگ لاجوردی در حد محدود بر روی جرزهاست. دور خطوط ستونچه‌های مسجد ابرکوه هم قلم‌گیری با رنگ لاجورد وجود دارد. مطابق گزارش کوتاه شیرازی، مسجد جامع نائین حاوی نقش‌های زراندود و رنگ‌های دیگری است. درباره هم‌زمانی ساخت و مساجد و آرایه‌ها به‌یقین نمی‌توان اظهارنظر کرد.

جرزهای باربر صرفاً حجم مکعب ساده نیستند، بلکه با ستونچه (پیلک) بر چهار نبش آذین یافته‌اند که یکی از مشخصه‌های بارز این مساجد را تشکیل می‌دهد و با آن شناخته می‌شوند. این نحو ساخت جرزها باوجود عنصر پیلک بر نبش‌ها در مساجد سده‌های نخستین یزد تکرار شده (تصویر ۶، ۱۰، ۲۰، ۲۳، ۲۹ و ۳۰) و بعدها اشکال دیگر آن در سده‌های میانه در مساجد، مدارس و مقابر ادامه یافت. این پیلک‌ها تا اندکی مانده به زیر پاکار توزیه امتداد دارند و از چهار جهت قاب شده‌اند. قطر ستونچه‌های نبش حدود ۲۰ تا ۲۲ س.م است و شکل دهی به آن‌ها با اندود کاه‌گل و سپس گچ کامل می‌شد. برخی پیلک‌های با قطر کمتر حدود ۱۰-۱۲ س.م در مساجد میبد و خویدک دیده می‌شود. بر روی جرزها ازاره‌ای از جنس گچ که گاه آغشته به رنگ است تا بلندای ۹۴ س.م نسبت به کف فضای داخل را دور می‌زند. این نکته در مسجد جامع فهرج به‌وضوح برجای مانده است. در بخش بالایی جرزهای داخلی، بر تراز زیر پاکار توزیه نیز خط اندازی افقی روی گچ صورت گرفته که با پاکار توزیه که به‌صورت پیش‌آمده درآمده، هم‌خوانی می‌یابد.

باربرها و طاق‌ها: همان‌گونه که پیش‌ازین یاد شد، طرح شبستانی مساجد نخستین یزد از سازه‌های باربر مبتنی بر جرزهای خشتی مکعب شکل برخوردارند. این سازوکار با جرزهایی به مقطع چهارضلعی مستطیل شکل که کشیدگی در جهت قبله دارند، ممکن شده است. جرزهای ستبر خشتی ابعاد گوناگونی دارند که به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: مسجد جامع یزد: ۱۲۶*۱۳۴ س.م، مسجد جامع فهرج: ۱۴۵*۲۲۳ س.م، مسجد جامع میبد: ۱۴۰*۲۴۰ س.م، مسجد جامع شیخی‌ها: ۱۲۱*۱۶۳ س.م، مسجد جامع خویدک: ۹۶*۱۱۸ س.م. ستبرای جرزها برای استقرار مطمئن توزیه‌ها و تحمل بار سنگین طاق بوده است.

توزیه‌های باربر شبستان قبلی در همه مساجد در امتداد محور قبله واداشته شده‌اند و بلندای پاکار آن‌ها در داخل متوسط ۱۸۰ س.م و بلندای تیزه متوسط ۴۲۵ س.م برآورد می‌شود. کمی بالاتر از تیزه، پاکار طاق قرار می‌گیرد. توزیه‌های سوی صحن که بلندتر از توزیه‌های داخلی‌اند، نمای میان‌سرا را می‌سازند. چفدهای دیگر، بر نعل درگاه ورودی‌ها کار شده که متفاوت است. روی درگاه‌های مسجد جامع فهرج و میبد به‌صورت چانه‌دار کار شده و از چفد بیضی با خیزهای کوتاه و بلند است. این‌گونه درگاه‌ها در بناهای دوران باستان (دوره اشکانی و ساسانی) رواج داشت. طرز ساخت همه توزیه‌های باربر رومی است.

طاق گهواره‌ای، پوشش اصلی شبستان‌ها و رواق‌هاست. جز صفت‌های ضلع شمالی مسجد جامع فهرج که در هر صفت با استفاده از سرتوزیه در بخش جلویی و نیم‌گنبد با گوشه فیلیوش‌دار در بخش انتهایی کامل شده، باقی پوشش‌ها طاق گهواره‌ای است و به‌صورت ضربی (پر) اجرا شده‌اند. معمولاً طاق‌ها خیز بلندی با چفد بیضی دارند و با کلفتی یک خشت بزرگ اجرا شده‌اند. پاکار اندکی نسبت به دیوار زیرین پیش‌آمده است. طاق‌ها که در امتداد محور قبله ساخته شده‌اند، از سطح بام برآمده‌اند. در باقی مساجد، طاق‌ها فروریخته و در مساجدی چون میبد و شیخی‌ها، متفاوت از صورت نخست، در بلندا و نوع چفد بازسازی شده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

بناهایی که در این پژوهش به‌عنوان مساجد سده‌های نخستین هجری برشمرده شده‌اند، با اتکال به روایات تاریخی و شواهد موجود شناسایی گردیده‌اند. در پاسخ به پرسش نخست، هشت مسجد در این نوشتار معرفی شده‌اند. کامل‌ترین آن‌ها مسجد جامع فهرج است که دگرگونی کمی در آن راه یافته، بقایای قابل‌مطالعه‌ای از مسجد نخستین در مسجد جامع میبد، ابرکوه، یزد، خویدک و شیخی‌ها به‌جا مانده و شواهد بسیار اندکی در مسجد جامع نائین و میبد در دست است. متون جغرافیای تاریخی به چهار مسجد فهرج، کته، میبد و نائین اشاره دارند که معلوم می‌شود شواهد همه آن‌ها قابل‌بازایی است. مساجد نخستین منطقه یزد می‌توانسته بیش از این‌ها باشد، اما اکنون از آن‌ها آگاهی و آثاری بیشتری در دست نیست. به گمان می‌توان این‌گونه پنداشت که شهرها و روستاهایی که در دوران باستان و سده‌های نخستین هجری در منطقه یزد وجود داشتند، از دیرباز در آن‌ها مسجدی برپا شده بود. از آنجایی که اسناد تاریخی در شناسایی این‌گونه بناها بیش از این یاری‌رسان نخواهند بود، پژوهش میدانی و به‌ویژه کاوش‌های باستان‌شناسی و پی‌گردی‌های حین مرمت می‌تواند راهگشای

شناسایی بناهای دیگری باشد که ویژگی‌های مساجد نخستین را داشته باشند. در پاسخ به پرسش دوم باید گفت: هرچند نظراتی مبنی بر تاریخ‌گذاری سده نخست هجری برای بنیان برخی مساجدی همچون فهرج ارائه شده، اما به گواه مکتوبات تاریخی و بررسی و تحلیل شواهد برجای مانده، زودتر از سده سوم هجری، ساخت مساجد جامع در منطقه یزد روی نداده، یا اگر چنین بوده، اکنون از آن‌ها نمونه و آگاهی مستند در دست نیست؛ اما مساجد دیگری در شهرها و روستاها وجود داشتند که کارکرد جامع نداشتند. نمونه آن مسجد بیده‌مید و مسجد پتک (فرط) یزد است. این می‌تواند به شرایط اجتماعی و مذهبی این منطقه و نحوه تعامل باشندگان زرتشتی و اعراب مسلمان مرتبط باشد. ساخت مسجد در هر شهر و تنیده شدن آن با ساختار فضایی شهر، نشانه‌ای از برتری مسلمانان بود. این مساجد ابتدا در بیرون حصار و باروی شهر و روستا یا در پهنه‌هایی نظیر ربض شکل می‌گرفتند و سپس در تحولات آینده، بافت شهری مشتمل بر خانه‌ها، بناهای عمومی، بازار و جز آن پیرامون مساجد را فرا می‌گرفت. در کم‌تر مواردی مانند مسجد جامع روستای خویدک این نحوه مکان‌یابی حفظ شده است. باوجود دگرگونی‌های به وجود آمده، نشانه‌های چنین مکان‌گزینی و هم‌جواری مساجد نخستین با مسیر آب‌کاریز در همه مساجد قابل بازخوانی است.

این پژوهش تصویری کلی از مساجدی به دست داده که داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی و شواهد معماری اندکی از آن‌ها در دست است، بنابراین توصیف و تحلیل دقیقی از این بناها دشوار و ناقص است و با تولید داده‌های جدید، می‌تواند کامل شود. جز جامع فهرج، همه مساجد دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده‌اند و در هیچ‌یک، جز فهرج با اندک تغییراتی، ساختمان نخستین برپا نیست.

مساجد با ساخت‌مایه غالب خشت و گل بنا شده‌اند، از نظر طرح معماری به‌سادگی گرایش دارند و طرح شبستانی با عناصر و تقسیمات تکرارشونده می‌توانسته پاسخ‌گوی چنین جوهره‌ای در ایجاد فضا باشد. باین‌حال این بناهای بی‌آلایش از آرایه‌های معماری چندان بی‌بهره نبودند. بقایای نقش‌های رنگین و نقوش گلین^۱ شواهد آن به شمار می‌رود. اگرچه مساجد نخستین یزد در دایره مشترکات معماری مساجد شبستانی موجود در سایر نقاط ایران و سرزمین‌های اسلامی قرار می‌گیرند، اما رگه‌هایی از ویژگی‌های معماری محلی را در خود دارند که در مساجد تحول‌یافته دوره‌های بعد بیشتر آشکار می‌شود. نحوه تحولات و دگرگونی‌های مساجد شبستانی منطقه یزد یا طرح‌های متفاوت مساجد سده‌های بعد، موضوع قابل‌بررسی در آینده خواهد بود.

سپاسگزاری

از آقای مهندس عادل فرهنگی که در مطالعه مسجد جامع ابرکوه از آگاهی ایشان بهره بردم و از آقای مهندس مجید علومی که در مطالعه مسجد شیخی‌ها یاریگرم بودند، سپاسگزارم.

پی‌نوشت

^۱ شاید از کهن‌ترین نمونه‌های گل‌بری در بناهای پس از اسلام منطقه یزد باشد که به‌صورت افزوده برجسته به دیوار قبله کار شده است که قاب محراب را به وجود آورد.

^۲ بر جای خرابه‌های مسجد شبستانی قدیم، شبستانی جدید ساخته‌اند و بقایای اندکی از جرز و تویزه متصل در محوطه باز شمالی پشت شبستان به‌جا مانده است.

^۳ لایه‌برداری و گمانه‌زنی در شبستان و صحن مسجد در سال ۸۵-۱۳۸۴ ش توسط کارشناسان پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد، در جریان مرمت اضطراری انجام شد.

^۴ نائین در سده‌های نخست هجری و سده‌های بعدی جزء فارس و منطقه یزد بود. گاه در ذیل اصفهان قرار داشت و در آخرین تقسیمات کشوری یکی از شهرستان‌های این استان باقی ماند.

^۵ این قنات تا میانه دهه ۱۳۷۰ ش دایر بود و آب داشت، اما به‌تدریج خشک شد.

^۶ مطابق جستجوی محلی، این قنات دست‌کم از ۵۰ سال پیش خشک بوده است.

^۷ در تواریخ یزد به این فضا «جماعت‌خانه» هم اطلاق شده است.

^۸ اندازه‌گیری مسجد جامع فهرج و میبد و مسجد شیخی‌ها میسر است.

منابع

- ابن‌بلیخی. ۱۹۲۱/۱۳۳۶. *فارس‌نامه*. تصحیح و تحشیۀ گای لسترنج و رینولد آلن نیکلسون. کمبریج: دارالفنون کمبریج.
- ابن حوقل. ۱۳۴۵. *صوره الارض*. ترجمۀ جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اسفنجاری کناری، عیسی. ۱۳۸۵. «شالودۀ کهن شهر میبد». در *میبد شهری که هست*. به‌کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پایگاه پژوهشی شهر تاریخی میبد. ص ۱۵-۸۹.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۴۷. *مسالك و ممالك*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج. ۱۳۴۸. *یادگارهای یزد: معرفی/ابنیۀ تاریخی و آثار باستانی خاک یزد*. ج ۱. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- افشار، ایرج. ۱۳۵۲. *یادگارهای یزد: معرفی/ابنیۀ تاریخی و آثار باستانی شهر یزد*. ج ۲. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- انیسی، علیرضا. ۱۳۸۹. «مسجد جامع فهرج: ارزیابی مجدد». *هویت‌شهر*، ش ۷، ص ۱۵-۲۲.
- آیتی، عبدالحسین. ۱۳۱۷. *تاریخ یزد*. ج ۱. یزد: چاپخانه گلپهار.
- بی‌نام. ۱۳۶۱. *حدودالعالم من المشرق و المغرب*. به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۴۹. «مسجد جامع فهرج». *مجلۀ باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۵، ص ۲-۱۳.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۶۹. *شیوه‌های معماری ایرانی*. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: مؤسسۀ نشر هنر اسلامی بنیاد مستضعفان و جانبازان.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۶۹. *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری. تدوین غلامحسین معماریان. چاپ سوم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پویا، سیدعبدالعظیم. ۱۳۷۵. *سیمای باستانی شهر میبد: بررسی تاریخی سازواره و ساخت یک شهر کویری*. میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- پویا، سیدعبدالعظیم. ۱۳۹۵. *سیمای باستانی شهر میبد: بررسی تاریخی سازواره و ساخت یک شهر کویری*. چاپ دوم، میبد: دانشگاه آیت‌الله حائری میبد.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. ۱۳۴۳. *تاریخ یزد*. به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جیحانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. *اشکال‌العالم*. ترجمۀ علی بن عبدالسلام کاتب. مقدمه و تصحیح فیروز منصوری. مشهد: آستان قدس رضوی و شرکت به‌نشر.
- خادم‌زاده، محمدحسن. ۱۳۸۴. *مساجد تاریخی شهر یزد*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- خادم‌زاده، محمدحسن. ۱۳۸۶. *محلات تاریخی شهر یزد*. تهران: سبحان نور و پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- رحیم‌زاده پریسا و زهرا اهری. بهار و تابستان ۱۳۹۹. «دروازه در سده‌های نخست اسلامی ایران». *مطالعات معماری ایران*، ش ۱۷، ص ۷۷-۹۶.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۴. *نائین شهر هزاره‌های تاریخی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شکوهی، مهرداد. ۱۳۶۷. «مسجد جامع فهرج: یادگاری کهن». *مجلۀ باستان‌شناسی و تاریخ*، سال نخست، ش ۱، ص ۱۶-۲۳.

- شکوهی، مهرداد. ۱۳۷۰. «تبدیل دو آتشکده به مسجد در ابرقو و عقدا». برگردان ناصر نوروززاده چگینی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، ش ۲، ص ۶۰-۷۰.
- فلاری، اس. ۱۳۷۲. «مسجد نایین». برگردان کلود کرباسی. مجله اثر، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۱۵۱-۱۶۷.
- قوچانی، عبدالله و باقر شیرازی. ۱۳۷۵. «کتابخانه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نایین». مجله اثر، ش ۲۶ و ۲۷، ص ۱۲۲-۱۴۲.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. ۲۵۳۷. تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- گدار، آندره و دیگران. ۱۳۸۵. آثار/یران. برگردان ابوالحسن سرومقدم. ج ۳، چاپ چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لسترنج، گای. ۱۳۷۷. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. برگردان محمود عرفان. چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی بافقی، محمدمفید. ۱۳۸۵. جامع مفیدی. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الآقالیم. ترجمه علی نقی وزیری. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موسوی حاجی، سیدرسول و زهیر واثق عباسی و اسدالله جودکی عزیزی. پاییز ۱۳۹۴. «پژوهشی در سیمای شهر یزد در سده‌های نخستین دوره اسلامی». پژوهش‌های تاریخی، ش ۲۷، ص ۳۹-۵۶.
- مهندسان مشاور هنر برای معماری یزد. ۱۳۸۸. مطالعه و مستندسازی مسجد جامع خویدک. یزد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد (منتشر نشده).
- نایینی، محمدجعفر بن محمد حسین. ۱۳۵۳. جامع جعفری. به کوشش ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. ۱۳۱۷. تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح مدرس رضوی. تهران: کتابفروشی سنایی.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. ۱۳۸۵. «مجموعه کهن مسجد جمعه میبد». در میبد شهری که هست. به کوشش عیسی اسفنجاری کناری. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پایگاه پژوهشی شهر تاریخی میبد. ص ۹۱-۱۳۲.
- نیک‌نهاد، مرضیه. ۱۳۹۷. «مسجد جامع نایین: مناقشه در تاریخ‌گذاری». در مجموعه هنر و تمدن اسلامی، معماری ۱. زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت. ص ۲۵۵-۲۷۵.
- وزیری کرمانی، احمدعلی‌خان. ۱۳۴۰. تاریخ کرمان (سالاریه). تصحیح، تحشیه و مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: دانشگاه تهران.
- Alfieri, Bianca M. 1977. «La Moschea Gami Di Fahrag», *Studi Iranici*, Rom.
- Esfanjary Eisa, 2017, *Persian Historic Urban Landscapes, Interpreting and Managing Maibud Over 6000 Years*, Edinburgh: University Press.
- Finster, B. 1994. *Frühe Iranische Moscheenvom Beginn des Islam bis zur Zeit Salguqischer Herrschaft*, Berlin.
- Galdieri, E. 1973. *Esfahan: Masjid – I Guma*, vol 2, IsMEO, Roma.
- Holakooei, Parviz and Amir-Hossein Karimy, “Early Islamic pigments used at the Masjid-I Jame of Fahraj, Iran: a possible use of black plattnerite”, *Journal of Archaeological Science*, 2015. P 217-227.
- Siroux, Maxime. 1947. “La Masjid – E- Djum’a De Yezd”. *Bulietin De L’institut Francais D’archeologie Orientale (BIFAO)*, vol 44, p 119-175.